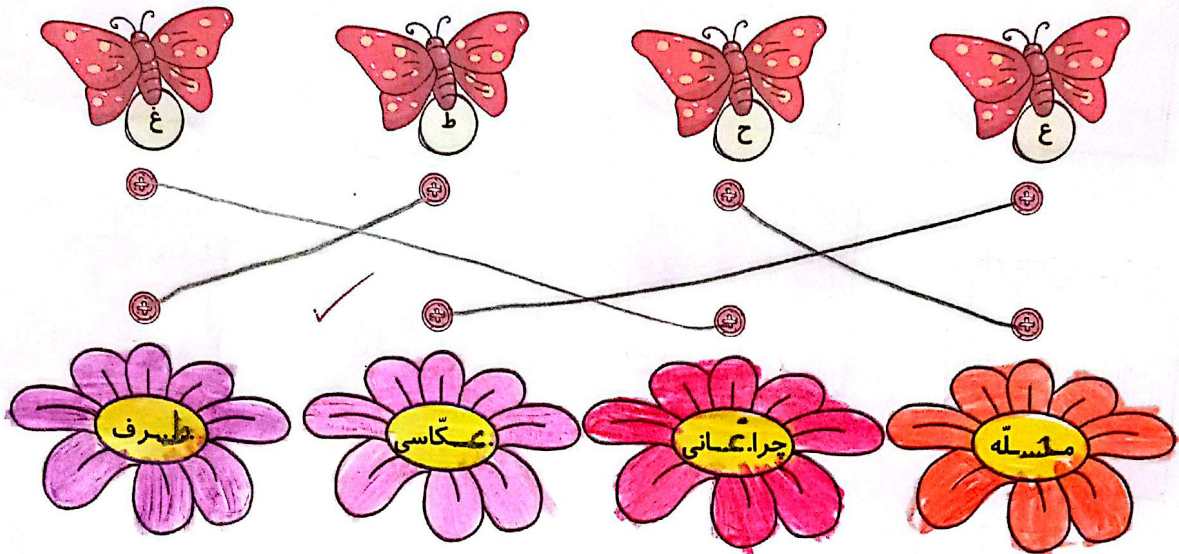


تمرین

۱ هر پروانه را به گل مربوط به آن برسان و رنگ کن.



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: کار بتایی مسجد، تازه تمام شده بود. ✓

ب: مردم فقط برای نماز خواندن به مسجد می‌آیند. ✗

پ: مسجد چراغانی شده بود. ✓

۳ کلمه‌ی مناسب را انتخاب کن و در جای خالی بنویس.

خدا- جماعت- دیگران- پیش‌نماز- پدرم

الف: مردم می‌خواستند برای اولین بار، نماز را به پیش‌نماز در این مسجد بخوانند.

ب: مهدی رو به مادرش کرد و گفت: دمن با دقت به حرف‌های پیش‌نماز گوش دادم.

پ: مسجد، خانه‌ی پیش‌نماز است.

۴ مانند نمونه واژه‌ی جدید بساز و جاهای خالی را کامل کن.

یعنی کسی که ادب دارد.

با ادب

ادب

با

با سلیقه

سلیقه

با

با ارزش

ارزش

با

با خبر

خبر

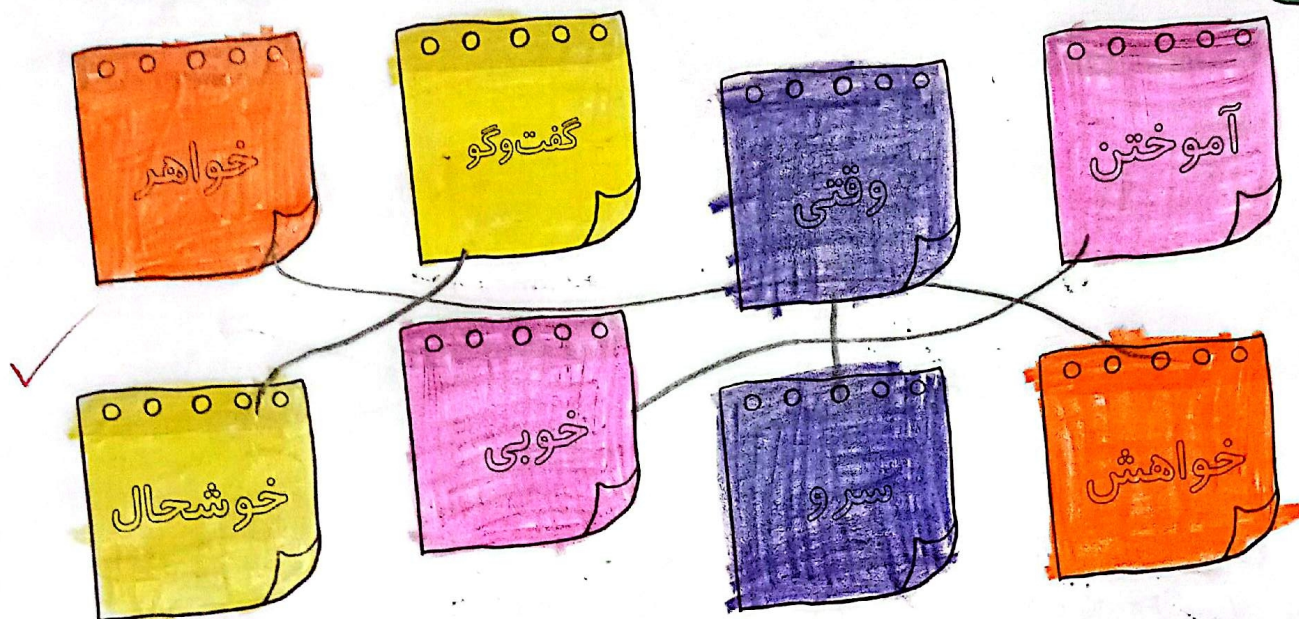
با

✓ یعنی کسی که سلیقه دارد.

یعنی چیزی که ارزش دارد.

یعنی کسی که چیزهای خوب دارد.

۵ با توجه به صدای نشانه‌ی «و»، کلمه‌هایی را که در یک دسته قرار می‌گیرند، به هم وصل و مانند هم رنگ کن.



۶ جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کن.

الف: به کسی که ایمان داشته باشد یا ایمان می‌گوییم.

ب: به کسی که مهربانی داشته باشد باهوش می‌گوییم.

پ: به کسی که حجاب داشته باشد یا حجاب می‌گوییم.

۷ با کلمات «قرآن، گل، شیرینی، مسجد، یک جمله‌ی زیبا به همراه علائم نگارشی بنویس».

۸ با توجه به سوالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن.

الف: چرا مردم محله خوشحال بودند؟

(۱) برای بنایی مسجد

(۲) برای چراغانی کردن مسجد

(۳) برای خواندن نماز جماعت

(۴) برای شیرینی و شربت

ب: با توجه به صدای نشانه‌ی «و»، کدام کلمه با کلمه‌ی «حوصله» هم صدا است؟

(۱) جست و جو

(۲) خوابیدن

(۳) خوب

(۴) اولین

پ: در میان کلمه‌های زیر، چند کلمه درست نوشته شده است؟

مزرعه - تسمیم - خوشمزه - همسایه - چقدر

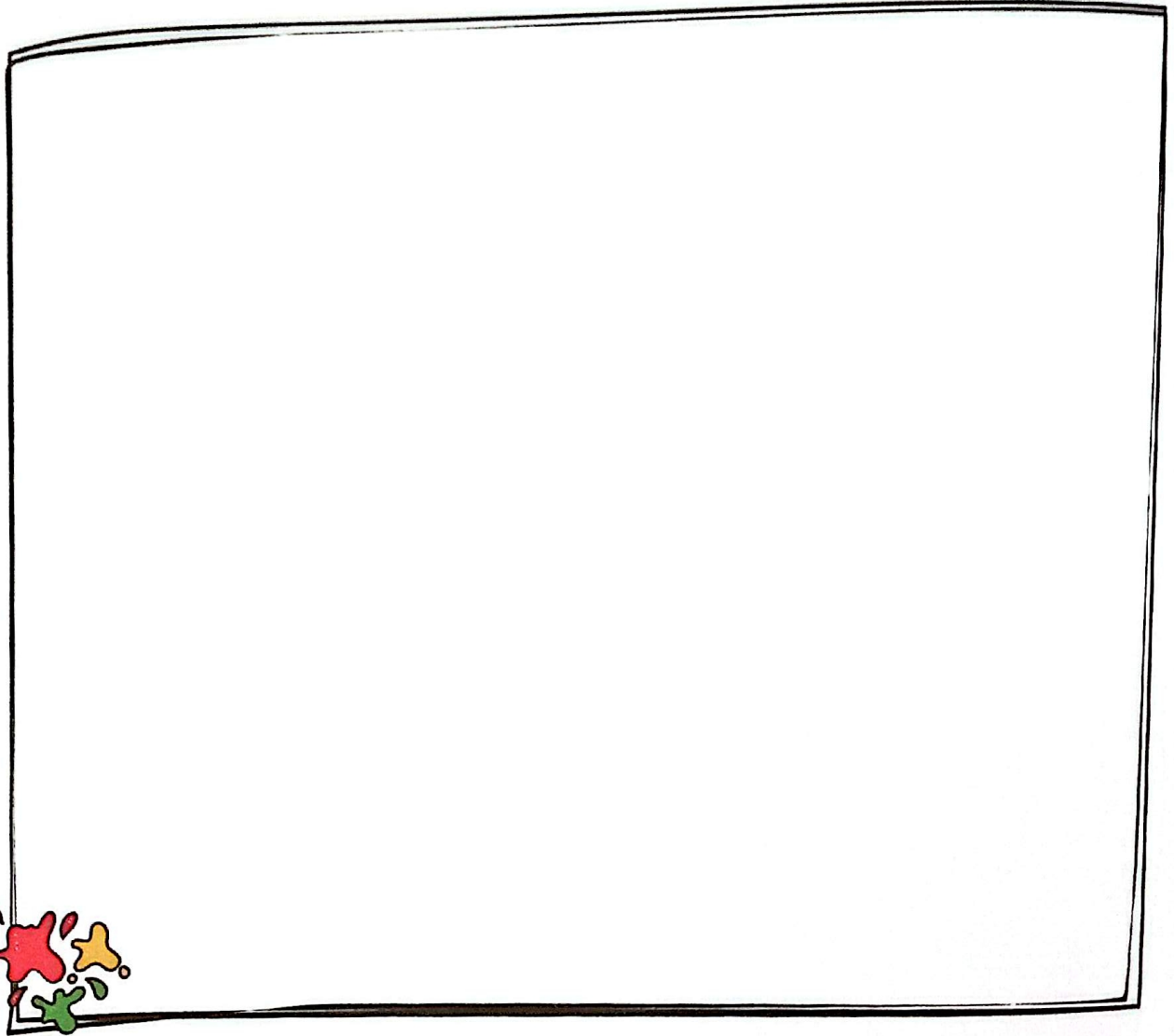
(۱) سه

(۲) چهار

(۳) پنج

(۴) دو

فارسی دوم دبستان



الف: چند بار تا به حال به آنجا رفته‌ای؟

.....

ب: چه کلاس‌هایی در آنجا برگزار می‌شود؟

.....

پ: چه چیزهایی در آنجا دیده‌ای؟ نام ببر.

.....

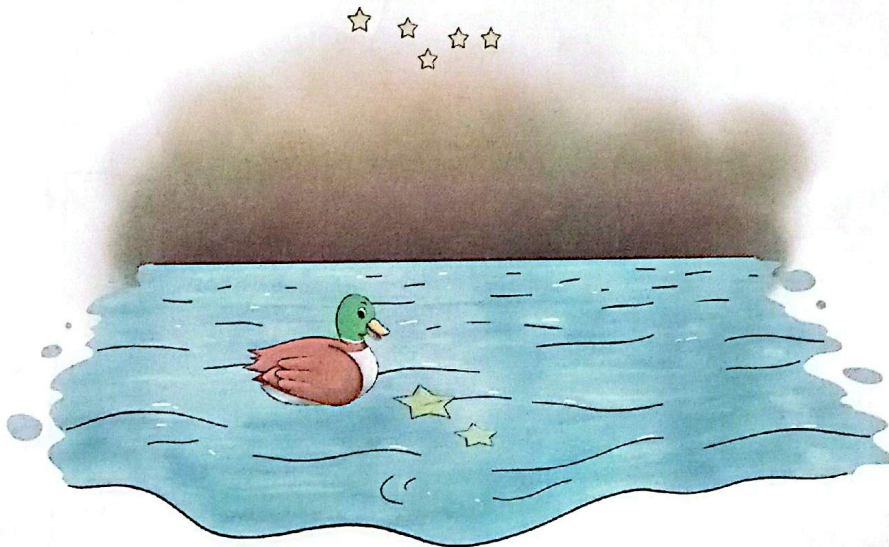


خوانش و پردازش



داستان زیر را بخوان و به سؤال‌ها پاسخ بده.

۱۰



شبی از شب‌های زیبا، نور ستاره‌ای در یک رودخانه افتاده بود. مرغابی کوچک که کنار رودخانه نشسته بود فکر کرد که آن نور، یک ماهی طلایی درون آب است. تلاش کرد آن را بگیرد، اما نتوانست. چند بار امتحان کرد اما حتی یک ماهی هم آنجا نبود. شب‌ها و روزهای بعد، هر وقت نوری در رودخانه می‌دید، فکر می‌کرد که همان روشنایی است و تلاشی نمی‌کرد. نتیجه این بود که او همیشه گرسنه می‌ماند.

«کلبله و دمنه، باب شیر و گاو»

الف: مرغابی فکر می‌کرد که آن روشنایی در آب رودخانه چیست؟

۱) صدف

۲) ماه

۳) ماهی

ب: در داستان، منظور از «همان روشنایی»، ستاره است یا ماهی؟

ستاره

پ: چرا مرغابی همیشه گرسنه می‌ماند؟

چون برای پیدا کردن غذا تلاش نمی‌کرد.

ت: اگر تو جای مرغابی بودی، چه فکری می‌کردی؟

۲۰
علی